

مقایسه مولفه های توسعه پایدار و احقاق حقوق شهروندی در ایران و افغانستان

۱-سعید محمدی صادق

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، مقایسه تطبیقی مولفه های توسعه پایدار و احقاق حقوق شهروندی در ایران و افغانستان می باشد که به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است. در خلال سال های گذشته تلاش های بسیار زیادی از سوی صاحب نظران برای اندازه گیری توسعه در غالب شاخص های متعدد صورت گرفته است. به دست آوردن افکار و حمایت عمومی دیگر به آسانی گذشته نیست و برای آن باید با تمام توان تلاش کرد. بر این اساس با توجه به پیچیدگی ذاتی و ابعاد مختلف مولفه های توسعه پایدار در تحقق حقوق شهروندی و تاثیرگذاری آنها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دست یابی به پایداری، ضروری به نظر می رسد. سوال اصلی تحقیق این است که مولفه های توسعه پایدار و از جمله حقوق شهروندی در ایران و افغانستان چه می باشد؟ با توجه به بررسی های صورت گرفته می توان نتیجه گرفت که در بلند مدت آزادی اقتصادی و سیاسی لازم و ملزوم یکدیگر بوده و توسعه اقتصادی پایدار مستلزم آزادی اقتصادی و هم آزادی سیاسی است. تجربه نوسازی سیاسی و توسعه اقتصادی ایران در سده گذشته به ویژه در چند سال اخیر و کاهش ولواندک تنش ها و توجهات به محور انسان در افغانستان، گواه روشنی است بر این حکم، که در کل بین تمامی متغیرها و مخصوصا آموزش عالی و تربیت نیروی متخصص و مجرب و ثبات نظام در کشورهای ایران و افغانستان رابطه وجود دارد.

کلید واژه: توسعه پایدار، احقاق حقوق شهروندی، ایران و افغانستان

۱-مقدمه

در سال های اخیر حاکمان بر زمین در رجعتی به گذشته توسعه را تنها در پایداری آن و حفاظت از داشته ها و داشته های خود می بینند. یعنی نه تنها توسعه با ارزش دلاری مهم است بلکه حفظ منابع طبیعی، جنگل ها، مراتع، دریا ها، حیات وحش، امنیت، کیفیت زیست انسانی امروز و آینده... در حدی برابر یا بیشتر از حالت کنونی نیز مهم است. این موضوع زمینه ساز شکل گیری نگرشی جدید به نام توسعه پایدار شده است. برای رسیدن به توسعه پایدار راه های گوناگونی با توجه به مدیریت منطقه ای وجود دارد و این مدیریت زمانی کارساز می شود که با پذیرش عمومی و شفاف سازی همراه باشد. با گسترش ارتباطات و با خبر شدن لحظه به لحظه انسان ها از حوادث پیرامون خود تمامی حکومت ها و جوامع به ناچار با یک قیاس فرامنطقه ای که در گذشته وجود نداشت، روبرو هستند. همسویی افکارمردم بادولت ها و جلب حمایت های عمومی به آسانی گذشته نیست و برای آن باید با تمام توان تلاش کرد. یکی از این کارهایی که می توان انجام داد چیزی نیست جز این، که در قیاس های آماری برتری عددی و حقیقی داشته باشیم.

امروزه تمامی کشورها موقعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی خود را با برآورد و مقایسه شاخص های بین المللی توسعه پایدار، می سنجند. ایران کشوری قدرتمند در منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و دست آوردهای اجتماعی در عرصه جهانی است و در زمینه اقتصادی در رتبه هفدهم تولید ناخالص ملی کشورهای جهان قرار دارد. توسعه پایدار از منظر «کمیسون جهانی محیط زیست و توسعه»، توسعه ای است که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل های آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می کند. درواقع، توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است و سعی دارد به پنج نیاز اساسی پاسخ گوید؛ «تلفیق حفاظت و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری و تنوع فرهنگی و حفظ یگانگی اکولوژیکی». دراین میان، «انسان»، محور توجه توسعه پایدار است؛ انسان ها سزاوار و مستحق یک زندگی سالم و مولد در هم سازی با طبیعت هستند (اصل اول اعلامیه ریو) و سیاست های توسعه پایدار تابعی از شاخص های رشد و تعالی انسان ها در ابعاد مختلف با تأکید بر ارزش های فرهنگی در جامعه است. مفهوم «برابری» نیز به عنوان یکی از بنیادهای توسعه پایدار که عدالت بین نسلی را با عدالت درون نسلی تلفیق می کند، مستلزم آن است که ساختار الگوهای درآمدی و توزیعی تغییر کند و مساوات جایگزین شکاف طبقاتی شود (بهرام زاده، ۱۳۸۲، ۴۵).

واقعیت این است که بدون عدالت اجتماعی در بین نسل حاضر عدالت بین نسلی امکان پذیر نیست. تجربه تاریخی نیز نشان داده که برای دست یافتن به توسعه پایدار، لازم است سه رکن مؤثر جامعه، یعنی حکمرانان، جامعه و اندیشمندان، در تبیین مفاهیم کلیدی مانند «حقوق شهروندی» به اجماع و اشتراک برسند. بی شک درک درست از حقوق شهروندان و به رسمیت شناختن آن در صحنه عمل، سنگ بنای اصلی توسعه پایدار است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و به فرصت های مدنظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های مختلف مشارکت داشته و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم برعهده گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای جایگاه شهروندی و ایجاد جامعه ای بر اساس نظم و عدالت که بنیان توسعه پایدار است، داشته باشد. بی شک، توسعه به مفهوم تحول کیفی و گذار از دوره ای به دوره دیگر مستلزم ایجاد تغییر همه جانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... در راستای تأمین حقوق شهروندی است. از جمله مسئولیت های دولت، براساس قانون اساسی و قانون برنامه چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، خرج کردن مالیات و عوارض دریافتی از سوی بخش های مختلف دولتی برای ارائه خدمات زیر به شهروندان است: «حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان و ارتقای احساس امنیت اجتماعی در جامعه، تأمین امنیت قضائی عادلانه، بهداشت و سلامتی شهروندان، آموزش، مسکن، شغل، نگهداری، تعمیر و ساخت جاده ها، بزرگراه ها، خیابان ها و راه آهن، حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل ها و محیط زیست، حفاظت از پس اندازها، بازاریابی از بانک ها و ضمانت حساب های بانکی و کمک و جبران خسارات در موارد پیش بینی نشده مانند سیل، زلزله و خشک سالی» (سهراب زاده، ۱۳۹۷: ۴۱).

وابستگی و تعلق خاطر شهروندان به حقوق و آزادی های خود و مقابله با اعمال فشارهای حکومتی، عاملی مؤثر در پایداری و حفظ حقوق آنها در جامعه و کمک به توسعه پایدار است. بدیهی است فرایند تصمیم گیری شهری زمانی موجب جلب منافع همگانی و مدیریت شهری خواهد شد که شهروندان بیشترین مشارکت را در تصمیم گیری ها از خود نشان دهند. در مقابل، تحقیر و مشارکت ندادن شهروندان و بی توجهی به حقوق شهروندی می تواند زمینه ساز توسعه نیافتگی جامعه باشد. عامل دوم، نبود تفاهم میان شهروندان است. تفاهم اجتماعی برای رسیدن به توسعه زمانی به

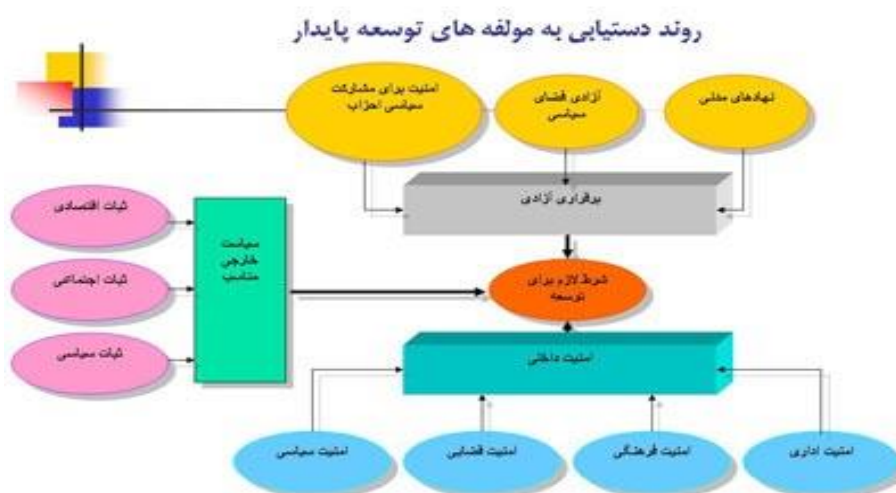
وقوع می‌پیوندد که همه جریان‌های موجود در جامعه با هم گفت‌وگو کنند و از تلاقی آنها قرارداد اجتماعی شکل می‌گیرد که البته می‌تواند جنبه تکاملی پیدا کند که در این میان، نقش اندیشمندان جامعه و خروج از جزایر فکری خودشان، بی‌بدیل است. برای دستیابی به توسعه پایدار، قوانین اساسی کشورها، از جمله قانون اساسی کشور ما، به‌ویژه در اصل ۲۶ با به رسمیت شناختن تشکیل و فعالیت احزاب و جمعیت‌ها، شهروندان را قادر می‌کند تا با تمایلات مشترک فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و... در کنار یکدیگر قرار گرفته و به‌عنوان یک توده نیرومند، با حضور در صحنه‌های مختلف در احقاق حقوق شهروندی خویش در تلاش و تکاپو باشند. همچنین به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی در هنگام بیان مطالبات یا اعتراضات یا دفاع از حقوق شهروندی خویش اجازه دارند با تشکیل نهادهای مدنی به جلب افکار عمومی در جهت رعایت و حفظ حقوق قانونی خویش بپردازند (حسنی، ۱۳۸۴، ۱۲).

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال را بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده در تامین نیازهایشان را به مخاطره اندازد، فراهم می‌کند. اگر بپذیریم که توسعه اقتصادی فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی تمامی مردم است، در این صورت رشد اقتصادی محور اساسی توسعه اقتصادی خواهد بود. اما رشد اقتصادی فرآیندی پایدار است که در اثر آن ظرفیت تولیدی اقتصاد طی زمان افزایش می‌یابد و سبب افزایش سطح درآمد ملی می‌شود. مؤلفه‌های اصلی پایداری در منظومه معنایی توسعه را می‌توان به این صورت بر شمرده؛ نخست پایداری اقتصادی (سودآور بودن)، دوم پایداری اجتماعی (سازگار بودن) سوم پایداری زیست محیطی (عدم تخریب زیست بوم)، چهارم پایداری ساختاری و سازمانی (دارا بودن اقتدار و صلاحیت و کارایی و موثر بودن ساختار مدیریت)، پنجم پایداری تکنولوژیکی (مناسب بودن فناوری) و ششم پایداری تعادل (هماهنگی پویا) در توسعه پایدار، یکی از حوزه‌های اصلی که بر آن تاکید شده و نقش اساسی در تحقق توسعه پایدار را به همراه دارد ظرفیت نهادی است. نهادگرایی تنها در قالب روش، رهیافت و نظریه مربوط به مطالعه نهادهای سیاسی خلاصه نمی‌شود. در واقع تحلیل نهادی در مطالعات معاصر علوم سیاسی و مدیریت دولتی از یک سو بررسی‌های حقوقی قانون اساسی را شامل می‌شود و از سوی دیگر قلمرو اداره امور دولتی را در بر می‌گیرد. در حوزه نهادی بر نقش نهادها و

ظرفیت های آنها در رویه ای شدن توسعه پایدار تاکید شده است. یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار نگرش به آن به عنوان یک پارادایم غالب در توسعه است. این که آیا توسعه پایدار با همه ابعاد، اصول و اهداف خود به پارادایم غالب در اقدام ها، سیاستگذاری ها و طرح های توسعه تبدیل شده است؟ در این چارچوب است که بحث هایی همانند رویه ای شدن و نهادی شدن توسعه پایدار به عنوان یکی از مسایل اساسی مطرح می شود (بهرام زاده، ۱۳۸۲: ۳۵).

به طور کلی توسعه پایدار و متعاقب آن احقاق حقوق شهروندی از یک مدل مفهومی به قرار زیر تبعیت می کند:



(موسوی، حکمت نیا، ۱۳۸۴: ۶۲)

حقوق شهروندی در تعریف عبارت است از مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص در جامعه، حقوق شهروندی جزء حقوق غیرقابل انتقال و تجزیه ناپذیر است. درواکاوی و تبیین حقوق شهروندی باید اظهار داشت که در این عنوان دو مفهوم تکلیف و نقش نهفته است، یعنی افراد دارای نقش های در جوامع هستند که باید این نقش ها بنحو احسن ایفا شود و در مقابل حاکمیت ها هم تکالیفی را در قبال شهروندان خود دارند که محقق شدن این دو مفهوم در نهایت منجر به توسعه پایدار می گردد (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۲۳). در کشور ایران حقوق شهروندی در قانون اساسی ۱۲۰ ماده را به خود اختصاص داده است، حقوقی که وجود آنها مایه قوام و نبود شان موجب زوال شخص

یا شخصیت انسان می شود. شهروندی مدرن حائز چهار بعد حقوق، تکلیف، مشارکت و هویت است (پورعزت، قلی پور، باغستانی برزکی، ۱۳۸۹: ۷۱).

در کشور افغانستان حقوق شهروندی به معنای سکونت در یک کشور به مدت مشخص و به معنی مجموعه ای از آگاهیهای حقوقی فردی و اجتماعی است. شهروندان آگاه درتشکل و تحکیم دولت های وحدت ملی مسئولیت دارند و وحدت ملی نیز شامل شاخص های زیرمی باشد: ۱- تعیین ساختار به منظور اداره ملت و تبیین حقوق همسان و شرکت گروه های سیاسی ۲- طرح قانون وحدت ملی باید در برگیرنده سیاست ها و برنامه های حکومت در خدمات بدون تبعیض برای شهروندان باشد ۳- همگرایی سیاسی ۴- رفع هرگونه هژمونی قومی در سیاست گذاری و قانون گذاری (فائز، ۱۳۹۲: ۳۸). علی رغم همه موارد یادشده عدم بهره مندی شهروندان افغانستانی بطوراعم و شهروندان ایرانی به طور اخص محقق را براین داشت تا ضمن برشمردن و تبیین مولفه های توسعه پایدار درصددارتباط آن باحقوق شهروندی برآید و به این سوالات پاسخ دهد:

-مولفه های توسعه پایدار و حقوق شهروندی در ایران و افغانستان چیست؟

- چگونه می توان به تحقق مولفه های توسعه پایدار و حقوق شهروندی کمک کرد؟

۲-۱- اهداف تحقیق

-تبیین مولفه های توسعه پایدار در احقاق حقوق شهروندی در ایران و افغانستان

-تبیین ویژگی و مولفه های توسعه پایدار

۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

کشور ایران با توجه به اینکه در همجواری با کشورهای افغانستان و پاکستان قرار گرفته نیاز به توجه و عنایت بیشتری از سوی دولتمردان نظام به جهت عدم تاثیرپذیری از مداخلات کشورهای هم مرز دارد، چرا که بی توجهی مسئولان به مؤلفه های توسعه پایدار و حقوق شهروندی زمینه پناه بردن و کمک گرفتن از کشورهای همجوار جهت رفع نیازها و حوائج را فراهم می کند و این به معنی سست شدن فرایند تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران است، این پژوهش درصدد است که فراز و فرودهای مؤلفه های توسعه پایدار را در ایران که بصورت اجمال شامل آموزش، صنعت، دولت، دانش و ارتباطات است همراه حقوق شهروندی با مولفه ها توسعه پایدار

د افغانستان مورد مقایسه قرار دهد. افغانستان یکی از کشورهایی است که ایران به دلایل مختلف نیازمند گسترش روابط بانکی با آن است. حدود سه میلیون پناهنده و مهاجر افغانستانی (حدود یک میلیون قانونی و دو میلیون غیرقانونی) در ایران به سر می‌برند. محدودیت‌های بانکی برای این افراد (حتی محدودیت‌های پیچیده و دست و پاگیر برای اتباع قانونی افغانستانی در ایران) هم مایه دردسر و ناخرسندی افغانستانی‌ها شده و هم به اقتصاد و نظام بانکداری ایران آسیب زده است. از یکسو، آن دو میلیون نفری که به گونه‌ای غیرمجاز در ایران به سر برده و بیشترشان در مشاغل دشوار مشغول به کار هستند، درآمدهایشان را هنگامی که در ایران به سر می‌برند (که میانگین بین شش ماه تا یک سال به درازا می‌کشد)، نزد خودشان یا افراد معتمد به امانت می‌سپارند. تجربه چندین دهه فشار برای پیشگیری از ورود این افراد به کشور شکست خورده است، ضمن آنکه بیشتر اینان در کارهایی مشغول‌اند که جوانان ایرانی کمتر زیر بار آن فعالیت‌ها می‌روند. همچنین آن یک میلیون مهاجر/پناهنده قانونی هم در بسیاری از مواقع با موانع دست و پاگیر برای باز کردن حساب بانکی یا استفاده از آن روبرو هستند. بیشتر کتاب‌های موجود در افغانستان، در ایران چاپ شده‌اند و تعدادی کمتر نیز در پاکستان. در افغانستان اگرچه حدود یک صد انتشاراتی وجود دارد (که البته قابل مقایسه با ۱۲ هزار ناشر ایرانی نیست)، اما به دلیل مشکلات ساختاری و به صرفه نبودن، کامیابی چندانی در گسترش صنعت نشر افغانستان نداشته‌اند. البته بسیاری از کتاب‌های چاپ ایران با فاصله زمانی بسیار، تازه به شهرهای بزرگ افغانستان همچون کابل، هرات و مزارشریف می‌رسد و چنانچه کسی از شهرها و روستاهای دیگر مایل به دسترسی به این کتاب‌ها باشد، یا باید رنج سفر به شهرهای بزرگ را بر خود هموار کند یا منتظر بماند تا یک کتاب‌فروشی در شهر خودش، آن را بیاورد.

فروش فیلم و سریال‌های ایرانی که در افغانستان پرتعدادند، آلبوم‌های موسیقی، نرم‌افزارهای اندرویدی و... نیز یکی از جنبه‌های این بازار است. برای نمونه، کافه بازار به عنوان بزرگ‌ترین عرضه‌کننده نرم‌افزارهای گوشی‌های همراه، توسط بسیاری از جوانان افغانستانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما برنامه‌های فروشی کافه بازار، نمی‌تواند برای افغانستانی‌ها که امکان پرداخت آنلاین ندارند، مورد استفاده قرار بگیرد (هاشمی مقدم، ۱۳۹۵: ۸۶).

۴-۱-پیشینه تحقیق

نالکیاشری (۱۳۸۷) به بررسی مبانی نظری حقوق شهروندی از دیدگاه سنت پرداخته است. در این مطالعه آمده است که در تمدنهای سنتی امر قدسی در همه ی شئون حیات بشری متجلی است ولی

امروزه متأسفانه همه ی امور را از دیدگاه ناقص علوم ناسوتی بشری می نگرند و جایگاه امر قدسی را در شئون حیات بشری لحاظ نمی کنند. در اینجا قصد کرده ایم تا دیدگاه سنتی را در ارتباط با بحث حقوق شهروندی احیا کنیم. از دید ما حقوق شهروندی ناظر به حقوق فطری انسان است و سلب ناپذیر، غیر قابل تخلف و ازلی و ابدی است. خباز (۱۳۸۷).

به بررسی چالش های رعایت حقوق شهروندی در ایران پرداخته است در این مطالعه آمده است که وقتی فردی نام شهروند را یدک می کشد، به احتمال فراوان نخستین چیزی که به ذهنش می آید مجموعه ای از حقوق است که قانونگذاران به آن حقوق شهروندی می گویند. نتایج مطالعه نشان داد که حقوق مدنی امتیازاتی است که بسیاری از ما امروز آن را بدیهی می دانیم، اما به دست آوردن آنها زمانی دراز طول کشیده است مثل آزادی افراد برای زندگی، آزادی بیان و مذاهب، حق مالکیت یا حق دادرسی یکسان در برابر قانون. حقوق سیاسی اما به مواردی همچون حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن مطابق قانون اشاره دارد و در ارتباط با حقوق اجتماعی می گویند که بهره مند شدن از حداقل استاندارد اقتصادی و امنیتی مثل مزایای بهداشتی و درمانی، تامین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل سطح دستمزد حق طبیعی هر فرد است.

ایران و شاخص توسعه

از جمله شاخص های توسعه پایدار و حقوق شهروندی در کشور ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- آموزش و دانشگاه

در دوران ما، آموزش و پرورش به عنوان موثرترین ابزار جوامع برای ورود به چالش های آینده مورد توافق قرار گرفته است و اصولاً پذیرفته شده است که در پرتو آموزش و پرورش امروز دنیای فردا شکل خواهد گرفت. دانشگاه مهمترین عامل موثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تامین فرصت های شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می شود. از این رو در جوامع منزلتی ویژه یافته است. آموزش و پرورش پایدار به مفهوم وسیع خود در دهه های آینده این توانمندی را خواهد داشت، تا مثابه ابزاری قابل اعتماد پل مستحکمی بین کلاس درس و اجتماع و بین کلاس درس و بازار بنا

کند. اهمیت آموزش و پرورش پایدار نه تنها در عرصه مطالعات که در عمل و نیز در عرصه نهادهای بین المللی مورد توافق جمعی قرار گرفته است. در خور توجه آنکه آموزش و پرورش نباید و نمی تواند صرفاً در تحصیلات رسمی خلاصه شود، بلکه هر نوع آموزش حتی اشکال سنتی یادگیری در منزل و اجتماع را نیز شامل می شود. از جمله مشکلات آموزش و دانشگاه در عدم توسعه یافتگی کشور ها می توان مشکل را در ناکارآمدی روشها و کیفیت آموزش تشخیص داد و چاره را در آن یافت تا "شیوه های آموختن" در نخستین گام آموخته شود (ساعی، ۱۳۷۴: ۱۲۷).

۲- صنعت

تقویت بنیه تولیدی کشور و برپایی اقتصادی توانمند و پویا که بتواند از یک سو پاسخگوی الزامات ناشی از تامین نیاز های جمعیتی، از جمله ایجاد شغل و در آمد برای نسل جوان و رو به ازدیاد جامعه باشد و با رشد تولید و عرضه کالاها و خدمات، زمینه های ارضای تقاضای فزاینده بازار داخلی و زدودن فقر و استقرار عدالت و افزایش رفاه و پیشرفت اجتماعی رافراهم آورد و از سوی دیگر در عرصه رقابت شدید بین المللی بر قابلیت ها و امکانات نفوذ کشور در بازارهای تجاری جهان بیفزاید و ضرورت گریز نا پذیر قطع وابستگی به نفت و تحکیم مبانی امنیت و اقتدار ملی را جامه عمل بپوشاند، مستلزم گسترش و تعمیق فرآیند صنعتی شدن و به عبارت دیگر رشد اقتصادی، دگرگونی ساختار، تحول تکنولوژیک و توسعه پایدار اجتماعی - فرهنگی کشور است. اینکه یک تغییر بنیادی از طریق صنعتی شدن می تواند کشوری را از رشد سریع اقتصادی برخوردار کند به عنوان یک حقیقت پذیرفته شده از جانب اندیشمندان مختلف، طی یک قرن اخیر به کرات بیان شده است. از همین دیدگاه است که صنعتی شدن به عنوان بهترین راه خاتمه دادن به عقب ماندگی های فنی و اقتصادی در کوتاه ترین مدت ممکن با حداقل وابستگی به خارج و وسیله ای برای ایجاد تغییر و تحول در روابط اجتماعی سنتی جامعه و کاربرد دستاوردهای علمی و فنی به منظور بالا بردن بهره وری تولید و بازده کار، شناخته شده است (تامس ساوتکلیف، ۱۳۸۴: ۹۲).

۳- دولت

دولت ها، به خصوص در کشور های جهان سوم، قادرند در عرصه پایداری، نقشی پیشتاز بر عهده گیرند. این دولتها هستند که قادرند قانونمندی های هم سو با جریان توسعه پایدار، تحرک اجتماعی را در سطوح مختلف جوامع نظام می بخشند. دولت ها همچنین قادرند به صورت مستقیم

و غیر مستقیم، با ایجاد شرایط مطلوب به تحرک بخش خصوصی در این عرصه کمک کنند. «الکساندر گرشنکرون» که مطالعات وسیعی در باره صنعتی شدن کشورهای اروپایی در قرن نوزدهم انجام داده نقش گسترده و همه جانبه دولت ها را در این دوران به صورت مستدل و مستند شرح داده است. او به خصوص تاکید می کند که «هر چه عقب ماندگی نسبی اقتصادی یک کشور بیشتر بوده است، تلاشهای توسعه تمرکز بیشتری داشته است» (معادی، طباطباییان، رادفر، ۱۳۹۸: ۱۴۸). گرشنکرون بر این مساله تاکید دارد که گرچه عامل توسعه در انقلاب صنعتی انگلستان بخش خصوصی بود، لیکن در سایر کشورهای صنعتی شده، مساله به گونه ای متفاوت رخ داد مثلاً در آلمان بانک های سرمایه گذاری و در روسیه دولت تزاری این مسئولیت را بر عهده داشتند.

۴-دانش

در دنیای معاصر دانش به صورت روز افزونی به یک «کالای بین المللی» تبدیل شده و نهاد های بزرگ تحقیقاتی به «کارخانه های تولید دانش» مبدل شده اند. در پایان قرن بیستم به ویژه کمیت و کیفیت تولید و توزیع دانش در اداره جوامع مدرن اهمیتی غیر قابل انکار یافته است. اطلاعات و دانش به طور عمده نزد ملت های صنعتی انبار شده و قرن ها آن بخش که از صافی ها عبور می کند در سطح عموم به وسیله کتاب و فصلنامه و نظایر اینها منتشر می شود. تداوم شرایط کنونی و جهت دار بودن دانش سرانجام جهان را به «دنیای آگاه، دنیای نا آگاه، دنیای دانشمند و دنیای کارگر تقسیم خواهد کرد» (مانوئل کاستلز، ۱۳۸۵: ۹۷) و این در حالیست که بسیاری از متفکران و مغزهای کشورهای عقب نگه داشته شده در تولید این دانش سهمی عمده داشته و دارند. هنگامی هم که از شاخص های کیفی در توسعه اطلاعاتی یک جامعه دانش محور سخن به میان می آوریم کارکرد مورد انتظار از این شاخص ها کمک به افزایش رشد عرضی در جامعه دانش مدار خواهد بود.

از شاخص های آموزشی این بخش می توان به بالا رفتن سطح علمی، دقیق تر شدن امکانات و ابزارهای آموزشی، تخصصی تر شدن علوم آموزشی و... اشاره کرد. مهمترین تاثیر و کارکرد چنین سیستم هایی که برای توسعه اطلاعاتی طراحی و تعریف می شوند در گام اول باز خورد مثبتی است که عاید خود این سیستم ها می شود. به این صورت که هر گاه در فرآیند های آموزشی با هدف توسعه اطلاعاتی جامعه اطلاعات با نظم سیستماتیک و بوسیله ابزارهای تکنولوژیک با سرعت و

دقت بالا در اختیار کاربر واقعی خود قرار می گیرد. در واقع سطح اطلاعاتی یکی از عناصر پذیرنده اطلاعات را در سیستم بالا می برد و به او این امکان را می دهد تا در سطح جدیدی که اختیار کرده نقش منتقل کننده اطلاعات را نیز بازی کند. ایجاد این چرخه در سیستم توسعه اطلاعاتی می تواند هدایت درونی سیستم را نیز برعهده بگیرد و با سرعت و دقت بیشتری موجب بهینه سازی روند آموزش شود. این مسئله با توجه به تاثیر و نقش عوامل اقتصادی در توسعه آموزش و اطلاعات در جوامع مایل به سوی دانش محور شدن می توان موثر باشد زیرا از حداکثر پتانسیل اطلاعاتی موجود در جامعه در این سیستم استفاده خواهد شد و نیاز به تکرار ها و باز آموزی ها کاهش پیدا خواهد کرد (آرون ، ۱۳۶۹: ۵۳).

۵-ارتباطات

امروزه پیچیدگی عوامل و شاخص های موثر در توسعه به حدی است که کارشناسان در تعیین یک الگوی مشخص برای بررسی توسعه در یک جامعه عاجزند. از این رو با تلفیق عواملی گوناگونی چون آموزش و دانشگاه، دولت، صنعت، دانش و غیره به مفهوم گسترده و واحدی موسوم به توسعه پایدار رسیده اند. تاثیر و نقش ارتباطات در توسعه پایدار بسیار مهم و اساسی است. به همین دلیل وقتی از توسعه ارتباطات و اطلاعات سخن به میان می آید، دامنه گسترده ای از فن آوری های پیچیده ارتباطی در ذهن متبادر خواهد شد. توجه به توسعه ارتباطات و اطلاعات و پرداختن به آن از منظر تکنولوژیک می تواند راهگشای بسیاری از موانع و مشکلات در توسعه پایدار باشد. عصر حاضر با سیطره و انقلاب ابزار های اطلاعاتی و ارتباطی امکانات فراوانی در راه تسهیل روند توسعه اطلاعاتی به خود می بیند، که بدون شک ماحصل کار برد علمی و صحیح آنها دستیابی به توسعه پایدار خواهد بود. پدیده فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) با توجه به گستردگی قابلیت ها و امکانات بالقوه ای که دارد شرایط و بستر های مناسبی را در جهت کار بردی شدن تکنولوژی در تمام شئون زندگی بشر فراهم کرده است (مارک جی، دووویس، ۱۳۹۶: ۸۵).

افغانستان و شاخص های توسعه

با وجودی که در ده سال گذشته، افغانستان همواره با مشکلات بزرگی در عرصه های امنیتی و اقتصادی دست و پنجه نرم کرده است اما دست یافتن کشور به دو شاخص توسعه هزاره سازمان

ملل متحد، دستاورد کلانی به حساب می آید. افغانستان اگر چه سند توسعه هزاره در سال ۲۰۰۴ را امضا کرده و متعهد به برآوردن اهداف هشت گانه سازمان ملل شده است اما طی مدت کوتاهی توانسته به دو هدف از این اهداف دست یابد (هاشمی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

افغانستان برای رسیدن به تمام شاخص های توسعه سازمان ملل تا سال ۲۰۲۰ در نظر گرفته شده است. برعکس اکثر کشورهای عضو که حداقل تا سال ۲۰۱۵ فرصت دارند. پنج سال اضافی برای افغانستان از آنجا در نظر گرفته شده که این کشور با نابسامانی های زیادی در عرصه های اقتصاد و بهداشت و تجارت روبرو است. در ضمن شاخص نهمی نیز برای افغانستان منظور گردیده که عبارت از امنیت پایدار می باشد. شاخص نهم از آن جهت در سند توسعه هزاره گنجانیده شده است که مخالفین مسلح افغانستان طی سال های گذشته و اکنون بی محابا و بدون در نظر گرفتن قواعد بین المللی جنگ، مدام دست به کشتار افراد سرزمین زده و به هرگونه خواست صلح طلبانه مردم و دولت افغانستان جواب رد داده است. رسیدن به امنیت پایدار در کشور که شاخص نهم برای اهداف توسعه هزاره می باشد کار دشوار، زمانگیر و مستلزم تمهیداتی است که می تواند در مقیاس های عرف ملی و افغانی برآورده شود. در حال حاضر دولت افغانستان به رغم دادن قربانی های بی شمار، اما صلح و ثبات کشور را سرلوحه کار سیاست داخلی خود قرار داده است. این مهم، بدان خاطر در صدر فهرست کار حکومت و دولت قرار می گیرد، که موضع گیری های کشورهای ذی منافع در افغانستان و همچنان سرچشمه های مجاری تروریزم و افراطی گری در کشورهای هم به یک راهکار واحد و قابل قبول در قبال آنان نرسیده است. برخی از کشورها عنوان کرده اند که جنگ جاری در افغانستان یک جنگ داخلی است در حالی که استدلال دولت افغانستان را مبنی بر اینکه اگر جنگ داخلی است پس چرا براساس فیصله ملل متحد قوای ناتو و کشورهای دوست در اینجا حضور دارند هیچ کسی جواب نداده و در برابر این منطق، پاسخ مناسبی پیدا نشده است (حکیمی، ۱۳۹۲: ۴۸).

از سوی دیگر برخی از کشورهای همسایه بدون در نظر داشت رابطه حسن همجواری، ازدیدگاه مردم افغانستان و جهان متهم به ارسال تروریست و سیاست تخریب کارانه هستند. در این میان امارات و افغانستان کوشیده است تا آن عده افغانهایی را که بنابه هردلیلی فریب بیگانگان را خورده باشند به دامن مردم و کشور برگرداند. دست یابی افغانستان به دو شاخص کاهش مرگ و میر مادران و دسترسی مردم به آب آشامیدنی بهداشتی، شاید از کلان ترین رویداد هایی باشد که برای رسانه ها و مردم

عام کشور خوشایند است. بدون شک برای دسترسی به این اهداف، برنامه هایی در دست اجرا بوده و دولت سعی کرده است تا طبق معاهده و امضایی که پای سند توسعه گذاشته است با جدیت و پلان گذارهای دقیق کار نماید. رسیدن به این دوهدف، آغاز خوبی برای کشوری است که براساس تعهد خود باید با ایجاد امنیت به اهداف هفت گانه دیگر توسعه نیز خود را برساند. به طور مثال دستیابی به هدف از بین بردن فقر شدید و گرسنگی، دست یافتن به آموزش ابتدایی و همگانی، گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان، بهبود سلامت مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و دیگر امراض، گسترش مشارکت جهانی برای توسعه و دست یابی به امنیت پایدار، از اصلی ترین نیازهای مردمی است که حد اقل سه دهه بحران را پشت سر گذاشته و اکنون در آغاز راه رسیدن به یک استاندارد می باشند. امضای سند توسعه هزاره ملل متحد توسط افغانستان، بیانگر این است که دولت می کوشد به هر ترتیبی که شده وضعیت را به مرحله ای برساند که اهداف توسعه آن را معرفی کرده است. دستیابی به تعدادی از این شاخص ها بیانگر این هم هست که دولت افغانستان بر خلاف گفته های منتقدان خود، تنها به امور سیاسی نپرداخته بلکه می خواهد به تکالیف موظفی خویش نیز رسیدگی کند. در نبود یک نظام اداری که افغانستان سال ها است آن را تجربه کرده بود هر گز چنین موفقیت هایی به دست نمی آید اما باید گفت که هنوز هم دولت افغانستان راه های طولانی و دشوارگذری برای برآورده کردن اهداف نه گانه توسعه هزاره درپیش رودارد. برنامه ریزی های منظم و عملکرد شفاف کارگزاران حکومت می تواند این شاخص ها را برای کشور قابل دسترس نماید.

اگر روند به همین شکل ادامه پیدا کند تا سال ۲۰۲۰م. این احتمال وجود دارد که افغانستان به این شاخص ها به طور تمام و کمال دست یافته و اهداف توسعه هزاره سازمان ملل را محقق نماید. مهم این است که پروسه های ملی دستیابی به اهداف توسعه اکنون کلید خورده و امیدواری های زیادی را بین مردم و نهادهای اجتماعی خلق کرده است (همان: ۷۰). در بخش بهداشت نیز آمده است که در سال ۲۰۰۳ میلادی حدود نه در صد از جمعیت افغانستان به خدمات بهداشتی دسترسی داشتند، اکنون اما؛ این رقم به نود در صد افزایش یافته است. همچنین در بخش کم کردن مرگ کودکان زیر پنج سال آمده است که دولت افغانستان سالانه میلیون ها کودک را برای ایمن سازی واکسینه می نماید (ساعی، ۱۳۷۴: ۷۳). در کنار غلبه تفکر قومی، وجود فساد گسترده باعث می شود که هیچ وقت بودجه اجرای یک استراتژی به طور کامل در جهت هدف تعیین شده مصرف نگردد. همچنین در بسیاری موارد بودجه تعیین شده از طرف افراد و گروه های مافیایی اختلاس می شود

و در مواردی نیز برنامه طرح شده در جهت تحقق استراتژی ر بوده و مفقود می شود. نمونه عینی آن گم شدن نقشه کاری شهر غزنی بود. این موارد نشان می دهد که گزارش نمایندگان افغانستان در سازمان ملل عینی و واقعی نیست. بنابراین می توان گفت که گزارش از اساس، یعنی در تدوین استراتژی مشکل دارد. مشخص نبودن میزان نفوذ افغانستان استراتژی توسعه ملی را در اجرا با مشکل مواجه می سازد. همچنین نبود امنیت، هژمونی تفکر قومی و فساد گسترده، ملی بودن استراتژی را زیر سوال می برد. تنها بررسی مناطقی از شهر کابل نشان می دهد که افغانستان نه تنها به شاخص های مذکور دست نیافته است بلکه تا حدود زیادی از آن فاصله دارد. حد اقل آمار و ارقام ذکر شده عینی و واقعی نمی باشند (هاشمی مقدم، ۱۳۹۵: ۴۷). شاخص های توسعه پایدار در کشور افغانستان عبارتند از:

۱- محو فقر

رهبران جهان در سال ۲۰۰۰ برای از بین بردن فقر شدید باهمه اشکال آن، متعهد شدند، تا سال ۲۰۱۵ تعداد افرادی را که در فقر شدید زندگی می کنند، به نصف برسانند. این در اصول یک هدف مشخص و بزرگ است اما هنوز این کار در حال انجام شدن است. اکنون وقت آن فرا رسیده آنچه را که فراگرفته شده روی آن کار شود و فقر را کاملاً از بین ببریم. هرچند که بیش از هشتاد میلیون نفر در سراسر جهان هنوز هم باهزینه کمتر از ۱٫۲۵ دلار زندگی روزمره شان را به پیش می برند (هاشمی مقدم، ۱۳۹۵: ۲۱۹).

۲- از بین بردن گرسنگی

پایان دادن به گرسنگی، تأمین مصئونیت غذایی، بهبود تغذیه و ترویج آن از اهداف این برنامه است. در بیست سال گذشته گرسنگی تقریباً به نصف کاهش یافته است. بسیاری از کشورهای که از قحطی و گرسنگی رنج می بردند، اکنون می توانند ضروریات غذایی افراد آسیب پذیر جامعه خویش را برآورده سازند که این یک دستاورد بی مانند است، اکنون می توانیم در همکاری باهم گرسنگی و سوء تغذیه را به طور نهایی و دایمی از بین ببریم. ما باید فعالیت هایی مانند رشد زراعت پایدار و حمایت از دهقانان کوچک را افزایش دهیم. هرچند این یک راه بسیار دزاست اما طبق بررسی سازمان خواروبار جهانی هنوز از ۹ نفر یک نفر در سطح جهان شب

ها با شکم گرسنه به خواب می روند و باید در این زمینه تلاش مزید صورت گیرد، تا میزان گرسنگی تا سال ۲۰۳۰ کاهش یابد (گن زیر، ۱۳۶۹: ۸۱).

۳- سلامت و زندگی

حصول اطمینان از زندگی سالم و ترویج تندرستی برای همه در تمام ابعاد زندگی، از اهداف این برنامه است. ما همه می دانیم که داشتن سلامتی چه اندازه در زندگی مهم و اثرگذار است. صحت به ما کمک می کند تا از زندگی لذت ببریم و قادر به انجام کار و وظیفه شویم. به همین منظور هدف دولت افغانستان این خواهد بود که مطمئن شود، هر شخص تحت پوشش خدمات بهداشتی قرار گرفته به دارو و واکسن های حفاظتی و مؤثر دسترسی داشته باشد.

۴- آموزش با کیفیت

نگرانی از حصول اطمینان در مورد آموزش همگانی و ترویج فرصت های آموزش دایمی برای همه، نخستین پیامد ناگواری است که بعد از نبردهای مسلحانه، فقر، آوارگی و بی خانمانی در جهان پیش می آید و بسیاری از کودکان را از رفتن به مدرسه باز می دارد. بررسی ها نشان می دهند که کودکان خانواده های فقیر چهار برابر بیشتر نسبت به کودکان خانواده های ثروتمند از تحصیل محروم مانده اند (حسنی، فرنود، ۱۳۸۴: ۱۱۶).

با سنجش سطح این مدارس می توان دریافت که وضعیت تعلیمی در درجه خوب قرار دارد، اما باید سعی گردد تا سطح بهتری را برای همه کودکان فراهم سازیم تا به اهداف تعلیم ابتدایی، ثانوی، آموزش حرفه ای با هزینه قابل پرداخت و دسترسی به تحصیلات عالی نایل گردیم.

۵- تساوی جنسیتی

هنوز هم نابرابری های شدید در کار و مزد زنان و دختران وجود دارد، مراقبت زنان از کودکان و کارهای خانه بدون پرداخت مزد است. همچنان تبعیض در تصمیم گیری های عمومی وجود دارد اما زمینه هایی وجود دارد که نوید دهنده آینده بهتر آنان است مانند این که در حال حاضر در مقایسه با سال ۲۰۰۰ میلادی دختران بیشتری مشغول به تحصیل در مدارس هستند، در اکثر مناطق در عرصه آموزش ابتدایی تساوی جنسیتی رعایت شده و درصد زنانی که

در برابر کارشان حقوق می گیرند افزایش یافته است. هدف توسعه پایدار نیز، دسترسی کامل به این دستاوردها می باشد، تا اطمینان حاصل شود که تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا به پایان رسیده است (موس و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲۵).

۶- آب پاک یا دسترسی به آب آشامیدنی سالم

حصول اطمینان از دسترسی به آب پاک و مدیریت پایدار آب و تخلیه فاضلاب برای هر فرد روی زمین لازم است و هریک از شهروندان جامعه باید به آب آشامیدنی پاک تا سال ۲۰۳۰ دسترسی داشته باشد. در حالی که برای اکثر مردم آب بهداشتی آشامیدنی و سیستم تخلیه فاضلاب فراهم گردیده است، اما برخی دیگری از آنها هنوز محروم اند.

ترویج رشد اقتصادی پایدار، فراگیر، اشتغال کامل و شایسته برای همه از موضوعات مهم است. زیرادراین حالت مردم دارای وظایف، تغذیه و یا دستمزد کافی می باشند، تا از آن طریق بتوانند از خود و خانواده ها حمایت کنند. خبر خوب این است که طبقه متوسط در سراسر جهان در حال رشد هستند. در ۲۵ سال گذشته در کشورهای در حال توسعه، نفوس طبقه متوسط تقریباً سه برابر شده که این رقم بیش از یک سوم جمعیت کل جهان است. امروزه فرصت های کاری در برابر افزایش یا رشد نیروی کار هماهنگ نیست (مولدان، بدریچ و بیلهارز، ۱۳۹۰: ۱۶۳). دولت افغانستان باید سیاست هایی اتخاذ کند که فرصت هایی برای کسب و کار ایجاد کند، این دولت باید کار اجباری، بردگی و قاچاق انسان را از بین ببرد و تا سال ۲۰۳۰ اشتغال کامل و مناسب را برای همه زنان و مردان فراهم سازد.

۷- صنعت، نوآوری و زیرساخت ها

ایجاد زیرساخت های مقاوم، ترویج صنعت پایدار، جامع و نو برای آینده به پیشرفت تکنولوژیک افغانستان و حل چالش های بزرگ، مانند اشتغال زایی و رسیدن به انرژی کافی کمک می نماید. امروزه جهان بیشتر از هر زمانی دیگر با استفاده از اینترنت باهم وصل شده است و هرچه ارتباطات بیشتر شود، به همان اندازه از دانش و تجربیات دیگران بیشتر بهره مند می شویم. هرچند نزدیک به چهار میلیارد انسانی که اکثریت آنان در کشورهای رو به توسعه زندگی می کنند، هنوز به

اینترنت دسترسی ندارند اما هر اندازه ای که روی خلاقیت یا نوآوری ها و زیر بنا ها سرمایه گذاری صورت گیرد، به همان اندازه به سود همه ملت هاست.

۸- کاهش نابرابری

کاهش نابرابری در سطح ملی و بین المللی یکی دیگر از رویکردهای توسعه است. تفاوت و فاصله طبقاتی هیچ گاه به این اندازه واضح نبوده است. باید سیاستی را در افغانستان درپیش بگیرند که برای همه فرصت های یکسانی را فراهم آورد و بدین منظور باید در سطح جهانی نیز قوانین بازار مالی واردات در جهت نابرابری درآمد ها تغییر یابد و به اقشار کم درآمد کمک های توسعه ای بیشتری بشود.

۹- شهرها و جوامع پایدار

در سال ۱۹۹۰ فقط "ده کلان شهر" با ده میلیون سکنه وجود داشت اما این رقم در سال های بعد افزایش یافت. شهرها مراکز فرهنگی، تجاری و جایی بهتر برای زندگی اند. از سوی دیگر اگر از حقیقت نگذریم، همین شهرها مراکز شدید فقر نیز هستند (موسوی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

۱۰- تولید و مصرف مسئولانه

برخی مردم مواد زیاد مصرف می کنند و برخی هم کم، اما بخش زیادی از مردم مقدار کم مواد را مصرف می کنند، در حدی که حتی نیازهای اولیه شان را برطرف می کند. باید دنیایی ایجاد شود که هر کسی بتواند به چیزی که برای زندگی نیاز دارد، دسترسی داشته باشد. منابع طبیعی را استفاده بهینه نماییم و زباله های زیانبار را به طریقه درست، دفع نماییم (مولدان، بدریچ و بیلهارز، ۱۳۹۰: ۶۸).

نتیجه

در هزاره سوم میلادی روند رشد و توسعه در چارچوب پایداری احیا شد. در توسعه پایدار، انسان، محور توسعه و مستحق بهداشت، امنیت، فرهنگ، آموزش، دانش و توسعه ارتباطات و اطلاعات می باشد. دستیابی به تعدادی از این شاخص ها بیانگر این است که دولت افغانستان بر خلاف گفته های منتقدان خود، تنها به امور سیاسی نپرداخته بلکه می خواهد به تکالیف قانونی

خویش نیز رسیدگی کند. در نبود یک نظام اداری سالم که افغانستان سال هاست آن را تجربه کرده است هر گز چنین موفقیت هایی به دست نمی آید اما باید گفت که هنوز هم دولت افغانستان راه های طولانی و دشواری برای برآورده کردن اهداف هشت گانه توسعه هزاره درپیش رو دارد. برنامه ریزی های منظم و عملکرد شفاف کارگزاران حکومت می تواند این شاخص ها را برای کشور قابل دسترس نماید. افغانستان برای دست یابی به اهداف توسعه هزاره باید میزان نفوذ خود را مشخص سازد تا بتواند استراتژی مبتنی بر میزان نفوذ تدوین نمایند. همچنین در قبال فساد گسترده مبارزه نماید تا بتواند استراتژی موردنظر را به اجرا درآورد. تغییر گفتمان های مسلط فکری مساله ای دیگر است که دولت افغانستان باید به آن توجه نماید.

در صورتی که یک گفتمان واحد حداقل مسلط بر کارکرد دولت شکل نگیرد توسعه یافتگی امری ناممکن خواهد بود. در جامعه ایرانی دو عامل اساسی در برقرار نشدن قرارداد اجتماعی برای توسعه پایدار تأثیرگذار بوده است: اول این که، «ایران» در اندیشه های برخی دولتمردان و به تبع آنان، مردم محوریت ندارد. به جای آن که اندیشه ها و برنامه ها در خدمت زندگی بهتر باشد، گاه تصمیم گیری ها در حوزه روابط خارجی و حتی مسائل داخلی، ایران محور نبوده است. عامل دوم، عدم وجود تفاهم میان شهروندان است. تفاهم اجتماعی برای رسیدن به توسعه زمانی به وقوع می پیوندد که تمام جریان های موجود در جامعه با هم گفت و گو کنند و از تلاقی آنها قرارداد اجتماعی شکل گیرد که البته می تواند جنبه تکاملی پیدا کند که در این میان، نقش اندیشمندان جامعه و خروج از جزایر فکری خودشان، بی بدیل است که در برخی از مقاطع تاریخی شاهد عدم سنخیت مسیر حرکت اندیشمندان، دانشگاهیان و نخبگان با واقعیت ها و فاصله گرفتن از جامعه ایرانی بوده ایم. برای دستیابی به توسعه پایدار، قوانین اساسی کشورها، از جمله قانون اساسی کشور ما، به ویژه در اصل ۲۶ با به رسمیت شناختن تشکیل و فعالیت احزاب و جمعیت ها، شهروندان را قادر می سازد تا افراد با تمایلات مشترک فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و... در کنار یکدیگر قرار گرفته و به عنوان یک توده نیرومند، با حضور در صحنه های مختلف در احقاق حقوق شهروندی خویش در تلاش و تکاپو باشند. همچنین به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی در هنگام بیان مطالبات یا اعتراضات یا دفاع از حقوق شهروندی خویش اجازه دارند با تشکیل نهادهای مدنی به جلب افکار عمومی در جهت رعایت و حفظ حقوق قانونی خویش بپردازند.

منابع

- ۱- آرون، ریمون، سالهای پایانی قرن، ترجمه اسد الله مبشری، تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹
- ۲- اسماعیلی، رضا، انواع حقوق شهروندی در قانون جمهوری اسلامی ایران، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲، صص ۱۱۱-۱۰۶، اصفهان: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰
- ۳- بدیع، پل، اقتصاد سیاسی رشد، ترجمه کاوه آزاد منش، تهران: نشر قومس، ۱۳۵۹
- ۴- بهرام زاده، حسینعلی، توسعه پایدار، مجله تدبیر، شماره ۱۳۴، صص ۴۲-۳۵، ۱۳۸۲
- ۵- پورعزت، علی اصغر، قلی پور، آرین، باغستانی برزکی، حوریه، رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ گویی و شفافیت سازمان ها، فصلنامه رفاه اجتماعی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۳۸، صص ۶۴-۴۱، ۱۳۸۹
- ۶- تامس ساوتکلیف، اشتن، انقلاب صنعتی، ترجمه: احمد تدین، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴
- ۷- حسینی، فرنود، نقش آموزش در توسعه اطلاعاتی جامعه دانش مدار، سایت بنیاد آینده نگاری ایران، ۱۳۸۴
- ۸- ساعی، احمد، در آمدی بر شناخت مسائل اقتصادی و سیاسی جهان سوم، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۴
- ۹- سریع القلم، محمود، توسعه جهان سوم و نظام بین الملل، تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۱
- ۱۰- سهراب زاده، مهران، حقوق شهروندی، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، صص ۹۰-۸۵، ۱۳۹۷
- ۱۱- فائز، محمد احسان، خبرگزاری صدای افغان (آوا)، ۲۴، ۱۳۹۲
- ۱۲- گن زیر، آیرن، کار گردانی و دگرگونی سیاسی در جهان سوم، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹
- ۱۳- مارک جی، دووریس، آموزش درباره تکنولوژی، ترجمه محبوبه مصطفی تقوی، دانشکده صدا و سیما، ۱۳۹۶
- ۱۴- مانویل کاستلز، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو، صص ۸۱-۷۰، ۱۳۸۵

۱۵- موسوی، میرنجف و حکمت نیا حسن، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص ها در تعیین عوامل موثر بر توسعه انسانی نواحی ایران ، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۶، صص ۷۰-۵۵، ۱۳۸۴.

۱۶- مولدان، بدریچ و بیلهارز، سوزان، شاخص های توسعه پایدار، ترجمه و تدوین نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم نژاد، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۹۰.

۱۷- هاشمی مقدم، امیر، لزوم تسهیل روابط بانکی میان ایران و افغانستان، سایت شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، ۱۳۹۵.

۱۸- هیچنز، درک، کاربرد اندیشه سیستمی، ترجمه رشید اصلانی، تهران: چاپ دوم، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۱.

19-Egger, Steve. **"Determining a sustainable city model"**, Environmental Modeling & Software, 2005.

20-Moss L., M.; M. Kaufman, S. and M. Townsend, A. **"The relationship of sustainability to telecommunications"**, Technology in Society, No. 28, pp.235-244, 2006.

21-W.G Newman, peter, **"sustainability and cities: extending the metabolism model- landscape and urban planning"**. Science direct journal, volume: 44, pp.219-226, 1999.